گفت‌وگو
زهرا چیذری

واکاوی مسئله حجاب در گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر حوزه عفاف و حجاب و استاد دانشگاه امام حسین(ع)

جامعه ما در مسئله حجاب با یک ناهماهنگی شناختی مواجه است

مسئله حجاب را باید در یک جنگ معناسازی در ذهنیت‌ها و افکار عمومی دنبال کرد

حالا دیگر حجاب فقط مقوله‌ای فرهنگی نیست که بتوان با کار فرهنگی آن را در جامعه حل‌وفصل کرد. در حال حاضر مسئله حجاب در جامعه ایران به مقوله سیاسی-امنیتی هم تبدیل شده و بر همین مبناست که مقام معظم رهبری مسئله حجاب را علاوه بر موضوعی شرعی، امری سیاسی دانستند و تأکید کردند: «در مسئله پوشش، حجاب، محدودیتی شرعی و قانونی است نه محدودیتی دولتی و کشف حجاب نیز هم حرام شرعی است هم حرام سیاسی.» در واقع نوع پوشش دارای پیام‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. بر همین اساس است که دکتر سیدعبدالرسول علم‌الهدی، استاد دانشگاه امام حسین(ع) معتقد است: «مسئله حجاب را باید در یک جنگ معناسازی در ذهنیت‌ها و افکار عمومی دنبال کرد.» همچنانکه وقتی بپذیریم دشمن که با برنامه وارد مسئله‌سازی حجاب در جامعه ایرانی شده است، بخش اعظمی از دختران و زنانی که کشف‌حجاب می‌کنند در این جنگ مظلوم و تحت تأثیر واقع شده‌اند و ما باید بتوانیم دختران و زنان‌مان را در جریان هویت ملی و هویت ایرانی بازیابی کنیم. مسئله حجاب، چالش‌های درگیری با این مسئله در یک جنگ شناختی، سناریوهای پیش‌رو و راهکارها موضوعاتی است که در گفت‌وگو با این پژوهشگر حوزه عفاف و حجاب و مدرس دانشگاه به واکاوی آن پرداخته‌ایم.

رضا دهشیری | جوان

آقای دکتر علم‌الهدی از نگاه شما به عنوان پژوهشگر حوزه عفاف و حجاب، مسئله حجاب را در کدام دسته از مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی یا امنیتی می‌توان بسته‌بندی کرد؟

من اصلاً با اینکه حجاب مسئله‌ای فرهنگی، سیاسی و غیره است، موافق نیستم.

چطور؟

در پژوهشی که ما طی یک دهه اخیر داشته‌ایم و خصوصاً در سه سال اخیر بعد از کرونا متوجه شدیم، مسئله حجاب وجوهی سیاسی-امنیتی هم پیدا می‌کند و اصلاً مسئله زن وجوه سیاسی-امنیتی پیدا کرده است اما حجاب مقداری شدیدتر. در این بین ما از کارهای رسانه‌های بیگانه درباره حجاب شواهدی پیدا کرده‌ایم که حجاب را در دوگانه امر فردی-اجتماعی یا در دوگانه خواسته حاکمیت-خواسته مردم یا در دوگانه دستور مردان و خواست یک نظام مردسالار یا خواسته زنان قرار داده‌اند. این دوگانه‌ها یک جنگ معناسازی را پیش می‌برد، بنابراین اگر من بخواهم بگویم مسئله حجاب چیست؟ نمی‌توانم صرفاً پاسخی حقوقی یا صرفاً پاسخی فرهنگی به آن بدهم. مسئله حجاب را باید در یک جنگ معناسازی در ذهنیت‌ها و افکار عمومی دنبال کنیم. این شاه‌کلید فعالیت پژوهشی است که من در سه سال اخیر در بحث حجاب داشته‌ام.

حضرت آقا هم به بحث حرام سیاسی بودن حجاب اشاره داشتند.

بله، وقتی حضرت آقا می‌گویند حرام سیاسی، یعنی همین که حجاب موضوعی صرفاً فرهنگی نیست یا می‌گویند دختران ما دین دارند اما دشمن پشت این مسئله است. اینها نشان می‌دهد حجاب صرفاً مسئله‌ای فرهنگی نیست. وقتی بپذیریم دشمن که با برنامه وارد مسئله‌سازی حجاب در جامعه ایرانی شده است، بخش اعظمی از دختران و زنانی که کشف‌حجاب می‌کنند در این جنگ مظلوم و تحت تأثیر واقع شده‌اند و ما باید بتوانیم دختران و زنان‌مان را در جریان هویت ملی و هویت ایرانی بازیابی کنیم، چون حجاب نماد هویت ایرانی است و اسلامی بودن در هویت ایرانی ممزوج است. حجاب به عنوان نماد جامعه ایرانی غیرقابل انکار و خواسته جامعه ایران است. این را نظرسنجی‌های مختلف در یک دهه اخیر به ما نشان می‌دهد.

یعنی طبق نظرسنجی‌ها مردم کشورمان همچنان حجاب را به عنوان یک نماد و خواسته قبول دارند؟ چه نظرسنجی‌هایی این مسئله را نشان می‌دهد؟

مثلاً پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات سال ۹۴ در پژوهشی نشان داد ۸۵درصد زنان کشورمان حجاب را به عنوان ارزشی فرهنگی-اخلاقی قبول دارند. سال ۱۴۰۱ پژوهش مرکز پژوهش‌های صداوسیما نشان داد ۹۰درصد مردان و زنان می‌گویند حجاب در اماکن عمومی باید جاری باشد. جالب است در همین نظرسنجی ۶۱درصد می‌گویند حجاب را اجباری نکنیم و در این امر مداخله نداشته باشیم!

پس ظاهراً با یک تناقض مواجهیم؛ از یک طرف اکثریت قاطع حجاب را قبول دارند و از طرف دیگر می‌گویند نباید اجباری باشد؟

بله، شاهد این هستیم که از یک طرف می‌گویند حجاب باید باشد و از یک طرف می‌گویند حجاب نباید اجباری باشد. این نشان می‌دهد در مسئله حجاب یک ناهماهنگی شناختی در افکار عمومی ایران در حال رخ دادن است. در نظرسنجی اخیر ما در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ ایسپا، همشهری و مرکز باقرالعلوم نشان می‌دهد نهایت ۳۰درصد افراد با مداخله‌گری دولت و حاکمیت در امر حجاب موافقند. منظور از این مداخله‌گری مداخله‌گری انتظامی است، وگرنه کسی با مداخله‌گری ارشادی و تبلیغی مخالفتی ندارد. نتایج نظرسنجی مؤسسه شناخت در بهمن ۱۴۰۱ در تهران هم نشان می‌دهد ۴۵درصد از افرادی که کشف‌حجاب کرده‌اند، می‌گویند ما از گفت‌وگو و فعالیت ارشادی و تبلیغی درباره حجاب استقبال می‌کنیم. ۳۰درصد هم می‌گویند ما حجاب را دوست داریم. این در حالی است که تنها ۳۰درصد با مداخله انتظامی و قضایی در این حوزه موافقند و این نشان‌دهنده یک جنگ شناختی است. از سوی دیگر بالای ۷۰درصد از بی‌حجاب‌ها با برهنگی و برهنه‌نمایی به شدت مخالفند، بنابراین نتایج این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد ما در مسئله حجاب با یک ناهماهنگی شناختی مواجهیم.

در مواجهه با این ناهماهنگی شناختی باید چه کرد؟

در این ناهماهنگی شناختی متوجه می‌شویم جنگ معناسازی به شدت جدی است، پس دولت فقط نمی‌تواند با یک لایحه عفاف و حجاب کار را پیش ببرد بلکه باید بتواند ابزارها و راهبردهایی را هماهنگ باهم پیش ببرد و در این جنگ معناسازی، معناسازی‌های خودش را جلو ببرد.

برای آنکه ما هم در این جنگ شناختی و معناسازی بتوانیم معناسازی‌های خودمان را پیش ببریم به چه سازوکاری نیازمندیم؟

به این منظور اولین الزام دولت و حاکمیت در مسئله حجاب، تشکیل اتاق عملیات مشترک شناختی است. اگر این اتاق عملیات شکل بگیرد و همه دستگاه‌های متولی همچون قوه قضائیه، دولت، مجلس و نیروهای مسلح همه عضو این اتاق باشند، دیگر کسی نمی‌تواند از ظن خودش پا پیش بگذارد و مثلاً یکی بگوید فقط فعالیت فرهنگی و دیگری بگوید فقط فعالیت سلبی! اصلاً فعالیت‌ها و راهکارهای راهبردی حوزه حجاب و عفاف در قالب ایجابی و سلبی دسته‌بندی نخواهد شد و ما به دسته‌بندی‌های جدید نیاز داریم که در حوزه افکار عمومی معناهای جدیدی را تولید کند و از این فضا بیرون بیاییم.

دشمن در این جنگ معناسازی چه صورت‌بندی‌ای کرده است؟

صورت‌بندی دشمن درباره حجاب این است که حجاب چیز بدی نیست اما امری فردی است و انتخاب شخصی مردم است، اما حاکمیت این حجاب را که یک امر فردی است که می‌تواند خوب هم باشد، اجبار می‌کند و از سر اجبار منافع اقتصادی مردم را هم درگیر آن می‌کند. مغازه‌ها را پلمب می‌کند و مردم را به جان هم می‌اندازد. چرا حاکمیت این اجبار را می‌گذارد؟ تا زنان را به انقیاد مردان بیاورد، چون حاکمیت جمهوری اسلامی حاکمیتی مردسالار است و برای اینکه زنان جای مردان را نگیرند، حجاب ابزاری است که زنان را خانه‌نشین می‌کند تا مردان همچنان بر زنان حکومت کنند. این صورت‌بندی است که از رسانه‌های بیگانه می‌توان استخراج کرد.

پاسخ ما به این ماجرا چیست؟

پاسخ این هم بسیار ساده است. حجاب امری اجتماعی است و برای این است که خانم‌ها از خانه‌های‌شان بیرون بیایند. اینجا می‌بینیم که حقیقت را به صورت معکوس جلوه می‌دهند اما این صورت‌بندی دشمن در افکار عمومی مردم تأثیر گذاشته است. از نظرسنجی‌ها و فراتحلیل نظرسنجی‌ها به نظر می‌رسد ۴۰درصد مردم امر فردی بودن حجاب را قبول کرده‌اند و به مداخله در این مسئله قائل نیستند. ۶۰درصد مردم امر اجتماعی بودن حجاب را قبول کرده‌اند اما لزوماً به مداخله انتظامی قضایی برای آن آری نمی‌گویند.

در حال حاضر در سطح جامعه با واکنش‌های مختلفی از سوی زنان نسبت به مسئله حجاب مواجهیم. گروهی که مثل قبل محجبه هستند و گروه دیگر هم مانند گذشته شل حجاب محسوب می‌شوند اما ما با کشف حجاب هم مواجهیم و این کشف حجاب‌ها هم درجات مختلفی دارد. تحلیل شما از این ماجرا چیست؟

ما برای اینکه بفهمیم در جنگ معناسازی با چه طیف‌هایی مواجه هستیم، کنشگرها را با روش پدیدارشناسی گونه‌شناسی کردیم. با مصاحبه و مشاهده رفتارهای این افراد شش دسته به دست آمد. ما در جنگ معناسازی در حال حاضر با این شش دسته مواجهیم. سه دسته اول که مسئله کشف‌حجاب را ندارند محجبه فردگرا، محجبه با مسئولیت اجتماعی و ضعیف‌الحجاب عرفی هستند. ما با این سه دسته مسئله حجاب را نداریم اما با آنها مسئله معناسازی برای مداخله با حجاب را داریم. محجبه فردگرا با مداخله دولت به صورت انتظامی و قضایی به شدت مخالف است، حتی در برخی تجمعات مهسا امینی هم شرکت داشته است. این مقوله حجاب را یک ارزش فرهنگی و تأکید زیاد جمهوری اسلامی بر آن را موجب دوقطبی شدن جامعه می‌داند و معتقد است باید در این ماجرا کوتاه آمد و سراغ مسائل اقتصادی رفت تا مسائل فرهنگی در جریان زمانی خودش را حل کند. محجبه با مسئولیت اجتماعی بابت سکوت در برابر حجاب نسبت به دولت معترض است. ضعیف‌الحجاب عرفی نگرش مثبتی نسبت به حجاب دارد اما ضرورتی برای مسئله‌بندی حجاب قائل نیست. ما در مواجهه با این سه دسته مشکل پذیرش حجاب را نداریم اما در حوزه افکار عمومی اینها قبول نمی‌کنند حاکمیت بخواهد در مسئله حجاب وارد حوزه کارهای قضایی و انتظامی شود، پس اگر بخواهیم کارهای انتظامی و قضایی بکنیم، باید این گروه را قانع کنیم. در سه دسته دوم مسئله حجاب را داریم. یکی از آنها بدحجاب زینت‌طلب است که نسبت به حجاب نگرش مثبت دارد، ولی حجاب را امری سنتی می‌داند، به همین خاطر سعی می‌کند با نمایشی شدن رفتارهای خودش، مثل جراحی زیبایی و زینتگری بتواند در دنیای مدرن امروز منزلت اجتماعی کسب کند. این افراد خود را ضددین، ضدحجاب و ضدجمهوری اسلامی نمی‌دانند. مسئله آنها این است که حجاب امری سنتی است و ما باید به‌روز باشیم. این افراد اگر هم کشف‌حجاب کنند، معمولاً روسری همراه‌شان است. دسته بعدی بی‌حجاب متحور لذت‌طلب است. این دسته بی‌حجابی خودش را سیاسی نمی‌داند و به واسطه لذت‌طلبی یا حوزه‌ای از امر جنسی بی‌حجاب است. دسته آخر بی‌حجاب معاند سیاسی است. اینجا کاملاً عناد وجود دارد و حتی برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد این دسته توانسته‌اند سازماندهی‌شده کار کنند و حتی جیره و مواجبی داشته باشند.

> اولین الزام دولت و حاکمیت در مسئله حجاب، تشکیل اتاق عملیات مشترک شناختی است. اگر این اتاق عملیات شکل بگیرد و همه دستگاه‌های متولی همچون قوه قضائیه، دولت، مجلس و نیروهای مسلح همه عضو این اتاق باشند، دیگر کسی نمی‌تواند از ظن خودش پا پیش بگذارد و مثلاً یکی بگوید فقط فعالیت فرهنگی و دیگری بگوید فقط فعالیت سلبی! اصلاً فعالیت‌ها و راهکارهای راهبردی حوزه حجاب و عفاف در قالب ایجابی و سلبی دسته‌بندی نخواهد شد و ما به دسته‌بندی‌های جدید نیاز داریم که در حوزه افکار عمومی معناهای جدیدی را تولید کند و از این فضا بیرون بیاییم

> پلمب کردن کسب‌وکارها به واسطه طرفداری از بی‌حجابی یا تذکر ندادن به بی‌حجاب‌ها می‌تواند یک راهکار باشد اما انعکاس اخبارش لزوماً خوب نیست و لزوماً افکار عمومی را با ما همراه نمی‌کند. عکس و فیلم گرفتن از بی‌حجابی در شهرها و انعکاس این عکس و فیلم‌ها ممکن است موجب دغدغه‌مندی مردم و مطالبه از مسئولان شود اما باعث بزرگنمایی بی‌حجابی در کشور می‌شود و این دوباره پازل دشمن را تکمیل می‌کند

> تنبیه انضباطی را باید برای کسانی که در جامعه الگوی اجتماعی یا رفتار تولید می‌کنند، داشته باشیم نه برای مردم عادی. اتفاقاً ما باید به دنبال کسانی باشیم که جریان اجتماعی را به هم می‌زنند و باید رفتارهای انضباطی آنها را تغییر دهیم. مثل سلبریتی‌ها و هر کسی که بی‌حجابی را تبلیغ می‌کند

در حال حاضر مسئله ما کدام یک از این دسته‌هاست؟

اینکه ما با کدام یک از اینها درگیریم برای‌مان مهم است و به سادگی هم مشخص نیست. در شهر تهران طبق آمار سال ۹۹ اگر ۴میلیون زن بالای ۱۵ سال داشته باشیم، به نظر می‌رسد ۱/۲ تا ۳درصد این زنان به دنبال بی‌حجابی عنادورزانه هستند، یعنی چیزی بین ۵۰ تا ۱۰۰هزار نفر در جامعه تهران. این تعداد منتظر کار فرهنگی نیستند و قاعدتاً در برابر قانون و مسائل حقوقی انتظار انتظامی و دادگاه به قانون تمکین می‌کنند، اما در حال حاضر در شرایط شیب اجتماعی کنش این ۵۰ تا ۱۰۰هزار نفر به شدت غلبه اجتماعی پیدا کرده و ضعیف‌الحجاب عرفی را هم تحت تأثیر قرار داده است. از آن طرف محجبه‌ها تصور می‌کنند اینها اکثریتند و به نوعی خودشان را از سیستم‌های میدان‌های اجتماعی دور می‌کنند. پس کشف‌حجاب در انظار عمومی حداکثر نما شده است با اینکه حداکثری نیست که این هم یک جنگ معناسازی در جریان زیست اجتماعی امروز است.

در برابر این صورت‌بندی دشمن ما نباید یکسری از کارهای اشتباه را انجام دهیم که موجب شود این صورت‌بندی دشمن به نتیجه برسد.

اگر بخواهید مصادیق آن را بگویید، چه کارهایی را نباید انجام دهیم؟

مثلاً پلمب کردن کسب‌وکارها به واسطه طرفداری از بی‌حجابی یا تذکر ندادن به بی‌حجاب‌ها می‌تواند یک راهکار باشد اما انعکاس اخبارش لزوماً خوب نیست و لزوماً افکار عمومی را با ما همراه نمی‌کند. عکس و فیلم گرفتن از بی‌حجابی در شهرها و انعکاس این عکس و فیلم‌ها ممکن است موجب دغدغه‌مندی مردم و مطالبه از مسئولان شود اما باعث بزرگنمایی بی‌حجابی در کشور می‌شود و این دوباره پازل دشمن را تکمیل می‌کند. در صورتی که جمعیت زیادی در کشور حجاب را می‌خواهند، حتی تذکرهای لسانی لحظه‌ای که همراه با گفت‌وگو نیست، شاید به کنش‌ها و خشونت‌های اجتماعی برسد یا راهکارهایی مثل جذاب نشان دادن حجاب چادر با حجاب استایل‌ها راهکار ترغیب به حجاب نیست. اساساً حجاب مانع جذابیت زن است و معنایی که از جذابیت دارد، چیز دیگری است یا به نام مدگرایی حجاب مدهایی را ترویج می‌کنیم، در حالی که خود این نوعی از جذابیت و بدن‌نمایی است. فلسفه حجاب تعریف مشخصی دارد؛ دیده نشدن زن به جذابیت‌های بدنی او و دیده‌شدن زن به جذابیت‌های اخلاقی، کرامت و اخلاق. مثلاً یک مرد هم اگر بدن‌نمایی کند، قطعاً بی‌عفتی می‌کند و مرد و زن باید جذابیت‌های‌شان را در اخلاقیات کسب علم و معارف معنویت خدمت به دیگران و چنین فضیلت‌هایی نشان دهند. بدن ما نیازمند پوشش سراسری جزو جذابیت‌های انسان نیست.

از نگاه شما چه راهکارهایی برای برون رفت از وضع موجود پیش روی ماست؟

بر اساس تغییر وضع موجود در میدان اجتماعی، برای رسیدن به یک رفتار و توافق جمعی برای مداخله می‌توانیم راهکارهای‌مان را دسته‌بندی کنیم. بر این اساس راهکارهای ما به پنج دسته راهکارهای تنبیهی-انضباطی، راهکارهای اغنایی-فکری، راهکارهای قانونی-ساختاری، راهکارهای منفعتی-اقتصادی و راهکارهای شناختی دسته‌بندی می‌شود. این پنج دسته راهکار باید دقیقاً در شیب اجتماعی اعمال شود.

و هر یک از این راهکارها متناسب با چه دسته و ساختاری از کنشگران باید اعمال شود؟

تنبیه انضباطی را باید برای کسانی که در جامعه الگوی اجتماعی یا رفتار تولید می‌کنند، داشته باشیم نه برای مردم عادی. اتفاقاً ما باید به دنبال کسانی باشیم که جریان اجتماعی را به هم می‌زنند و باید رفتارهای انضباطی آنها را تغییر دهیم. مسئله تنبیهی انضباطی ما برای اینهاست. هیچ قانون جدیدی هم نمی‌خواهد. ناخودآگاه شناختی و منفعتی-اقتصادی دو رویکردی هستند که دنیا برای تغییر رفتارهای اجتماعی روی آن خیلی کار می‌کند. ناخودآگاه شناختی به معنی اینکه همنشینی و جانشینی برخی مفاهیم با مفهوم مورد نظر باید رخ دهد. مثلاً شما باید بتوانید بین مفهوم آزادی و حجاب و بین مفهوم پیشرفت زن با مفهوم حجاب پیوند برقرار کنید. بین مفهوم نشاط جنسی و امنیت خانواده با حجاب ارتباط برقرار کنید، این یعنی ناخودآگاه شناختی. رویکرد قانونی ساختاری هم بحث حمایت از ناهیان منکر، حمایت از خانواده، ابلاغ آیین‌نامه‌های جنگ شناختی حجاب به سکوها و پلتفرم‌ها، جداسازی جنسیتی در اماکن اداری و در سازمان‌های اداری دولتی درباره زنان و مردان است. جامعه باید ببیند که حاکمیت و دولت این سختگیری‌ها را از سیستم ادارات خودش شروع می‌کند. در کنار اینها هر از چندگاه به طور مثال هر دو هفته یک بار باید در عملیات خودمان بازنگری‌هایی داشته باشیم تا ببینیم معناسازی‌های ذهنی چگونه پیشرفت می‌کند. رسانه بحث‌های رسانه‌ای میزگرد و مناظره‌های رسانه هم یکی از راهکارهای خوبی است که طی آن می‌توان به خوبی کار کرد و در حال حاضر وقتش است. ما به پویش سراسری فعالیت ارشادی در حوزه حجاب نیاز داریم که من اسمش را می‌گذارم «گفت‌وگوی همدلانه با بی‌حجاب‌ها.»

نظر شما درباره تجمعات مردمی که در ایامی همچون روز عفاف و حجاب برگزار می‌شود، چیست؟ چقدر چنین تجمعاتی می‌تواند در حوزه حجاب کارکرد داشته باشد؟

اینکه در میدانی در شهر گروهی از بانوان محجبه جمع شوند و یک سخنرانی، سرود و یک مداحی داشته باشند، این کار قطعاً در پازل دشمن جریان دوقطبی را تقویت خواهد کرد و اتفاقاً عملیات برای حجاب را سخت‌تر می‌کند. به نظر من اگر قرار است برای حجاب کاری شود، باید بعد کمی همین گروه‌های مردمی که برای حجاب کار می‌کنند و غرفه‌هایی می‌زنند و وارد گفت‌وگو و تذکر به بی‌حجاب‌ها می‌شوند را بیشتر کنیم و نامش را بگذاریم گفت‌وگوی همدلانه با بی‌حجاب‌ها.

با عنایت به آنچه درباره آن بحث داشتید و با توجه به وضعیت کنونی جامعه و سناریوهای پیش‌رو، حاکمیت باید چه سیاستی را اتخاذ کند؟

جمهوری اسلامی در این میانه از یک طرف باید بر حجاب به عنوان امری هویتی تأکید و از طرف دیگر در افکار عمومی حجاب را به امنیت خانواده و رشد و پیشرفت زنان متصل کند. حجاب موجب آزادی زنان از کلیشه‌های جنسی‌شده در جامعه می‌شود. اینها جملات شناختی مهمی است که کاملاً با اهمیت حجاب و خانواده و پیشرفت زنان همگام است.

ویترین

چرا حجاب؟

ابراهیم خرمی‌مشگانی در کتاب «چرا حجاب؟» به موضوعاتی همچون، معنا و چگونگی حجاب همراه با یادآوری نقش زنان در اجتماع، لزوم، فواید و اثرات رعایت حجاب و پیامدهای آن، عوامل و عواقب اجتماعی رعایت‌نکردن حجاب، شیوه‌های پیشگیری از بی‌حجابی و شیوه‌های برخورد با بی‌حجابی اشاره کرده است.

بی‌گمان حجاب در جامعه نقش مهمی دارد و این نقش در ارتباط با زندگی زنان بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. در پرده حجاب است که عفت و وقار زنان حفظ می‌شود و روزبه‌روز بر مقام و منزلت زنان باحجاب افزوده خواهد شد. زن در سایه حجاب می‌تواند به موازات رسیدن به درجات بالایی از کمال و عظمت، سعادت و شخصیت خویش را نیز حفظ کند تا جایی که حجاب در زمره یک ارزش واقعی پرچمدار عفت و شخصیت زنان خواهد بود و بی‌حجابی مهر بطلانی است بر همه ارزش‌های نهفته در وجود زنان و به عنوان یک ضدارزش، وسیله‌ای است در دست انسان‌های فاسد تا روزبه‌روز زنان را به ورطه نابودی بکشانند. بر همگان فرض و واجب است که از ارزش‌های موجود در جامعه به بهترین شیوه ممکن دفاع کنند؛ ارزش‌هایی که با خون صدها هزار شهید تأیید شده است؛ ارزش‌هایی که یک میراث گرانبها از اسلام عزیز است و بوده‌اند مردان فداکاری که تا پای جان برای حفظ آن ارزش‌ها گام برداشته‌اند. حجاب شخصیت و هویت زن را در نموداری از عزت و عظمت ترسیم می‌کند و زمانی که حجاب کمرنگ شد، این نمودار سیر صعودی خویش را از دست می‌دهد و به جای رسیدن به نقطه عفت، شخصیت، عزت و عظمت، به پرتگاه ذلت، خواری و خفت می‌رسد. از همین جاست که حریم عفت عمومی شکسته می‌شود و وقار و شخصیت زنان از دست می‌رود و در چنین شرایط تاریک و وحشتناکی جرم و جرائم زیاد می‌شود و زنان بی‌حجاب همچون عروسکان نمایشی، نقش‌پردازان دستان شوم استعمار می‌شوند. در این تراژدی غمناک بی‌حجابی، پرده‌هایی از نمایش‌های زشت و ملال‌آور را شاهد خواهیم بود؛ پرده‌هایی همچون از هم‌پاشیده‌شدن خانواده‌ها، افزایش فساد، فحشا، شکسته شدن حریم عفت عمومی و صدمه دیدن کرامت زن.